نبرد با اسرائیل از راه تقریب مذاهب



رژیم غاصب اسرائیل در سال 1945م موجودیت خود را اعلام کرد. کمی بعد، سازمان ملل نیز این کشور را به رسمیت شناخت و همین موضوع آغاز اختلافات و جنگ‌های سنگین میان مسلمانان و این رژیم غاصب شد. کشورهای اسلامی نسبت به این موضوع رویکرد دوگانه‌ای داشتند: برخی از کشورها با سکوت نظاره‌گر تجاوز اسرائیل به خاک فلسطین بودند، اما برخی از کشورهای مسلمان به شیوه‌های گوناگون این اقدام را محکوم اعلام کردند. کشور مسلمان ایران نیز از جمله کشورهایی بود که رهبران مذهبی آن بارها نسبت به بسیاری از اقدامات انجام‌شده در فلسطین واکنش نشان دادند. از جمله رهبران مذهبی ایران که با اقدامات متعدد نسبت به تحولات فلسطین موضع‌گیری‌های قاطعی اتخاذ کرد، آیت‌ا‌ لله بروجردی بود. ایشان از همان زمان تأسیس دولت غاصب اسرائیل تا اختلافات و جنگ‌های طرفین، اقدامات این رژیم غاصب را محکوم اعلام و از مردم فلسطین به حمایت کردند.

نگاهی به مشی سیاسی و مبارزاتی آیت‌ا‌ لله بروجردی

مواضعی که درباره مشی سیاسی آیت‌ا‌ لله بروجردی وجود دارد، بسیار متفاوت از هم و در نقطه مقابل هم قرار دارد: گروهی ایشان را رهبر و مرجعی منفعل دانسته و معتقدند که آیت‌ا‌ لله تمایل چندانی به

مداخله در امور سیاسی داخلی و خارجی نداشت، اما گروه دیگر با ارائه مستندات معتقد است که اتفاقا ایشان در بسیاری از مسائل سیاسی مشارکت داشتند، اما سبک مبارزاتی‌شان مبتنی بر شرایط زمانه‌شان بود.

درواقع ایشان مبارزات سیاسی خود را در قالب اقدامات اعتراضی، اعلامیه‌ها یا بیانیه‌های اعتراضی، دعوت از مسلمانان جهت واکنش‌های اعتراضی به مسائل مختلف حکومتی نشان می‌دادند؛ چنان‌که در ماجرای کشف حجاب، آیت‌ا‌ بروجردی با انتقاد از این سیاست، رضاشاه را تا حدودی به عقب‌نشینی مجبور کرد.
ایشان بعد از تصویب قانون کشف حجاب گفت:
«مملکت را برای این می‌خواهند که دختران مردم را به زور در هوای سرد به خیابان‌ها بکشانند و آنها را آن‌طور نشان دهند و بگویند اینها از قید اسارت چادر آزاد شده‌اند. چه اسارتی؟... چرا دست برنمی‌دارید؟ ... پدر و مادر اینها مسلمان هستند اینها به من شکایت کرده‌اند که به داد ما آبرودارها برسید. تکلیف چیست؟ این مملکت می‌خواهد چه بکند؟
شب آن روز جراید نوشتند: به واسطه سردی هوا رژه دختران در روز 17 دی لغو شده است».1

به نظر می‌رسد دیدگاه دوم منعکس‌کننده واقعیت است و با استناد به زندگی سیاسی آیت‌ا‌ بروجردی می‌توان ایشان را یک رهبر سیاسی عمل‌گرا دانست. ایشان نه تنها نسبت به امور داخلی بلکه نسبت به بسیاری از مسائل خارجی نیز حساس بودند و نسبت به آن واکنش‌های مناسبی داشتند. موضوع تأسیس دولت غاصب اسرائیل و جنگ‌های رخ‌داده میان اسرائیل و فلسطین از جمله این مسائل بود.

مواضع آیت‌ا‌ بروجردی نسبت به تحولات داخلی فلسطین
آیت‌ا‌ بروجردی از همان ابتدای تأسیس دولت غاصب اسرائیل، این اقدام را محکوم اعلام و موضع محکمی در قبال اشغال قدس اتخاذ کردند. ایشان در سال ۱۳۲۷ش بیانیه‌ای را در محکومیت صهیونیسم بین‌الملل و غاصبان فلسطین صادر و در آن، از مجاهدان فلسطینی با احترام یاد و برای پیروزی آنها دعا کردند.2

در متن بیانیه ایشان آمده است: «خداوند متعال را در نهان و عیان و در هر حال سپاس می‌گوییم و از آنچه برادران مسلمان ما در این زمان در پاکستان از مشرکان و در فلسطین از یهود می‌بینند به او شکایت می‌کنیم. صدق گفتار خداوند را درباره شدت عداوت یهود نسبت به مسلمانان، در کتاب کریمش می‌بینیم... ولی تعجب و تأسف کلی از کار یهود است؛ زیرا آنها بعد از اینکه نزدیک چهارده قرن تحت حمایت اسلام و مسلمین بوده‌اند و جان و ناموس و اموال و شعائر دینی‌شان محفوظ بوده است، می‌خواهند

در این زمان انتقام آن همه نیکی‌ها را که در آن مدت طولانی از مسلمانان دیده‌اند، از آنها بگیرند؛ مردان شایسته را تحت تعقیب و ارعاب قرار داده و به قتل می‌رسانند».3

آیت‌الله بروجردی در این بیانیه با اشاره به تعدی و ظلم اسرائیل نسبت به مردم مسلمان فلسطین نیز زبان اعتراض گشوده و در بخش دیگری از بیانیه خود آورده‌اند: اسرائیلی‌ها «اطفال فلسطینی را کشته و اعراض آنها را مورد هتک قرار داده و معابد و خانه‌هایشان را تخریب می‌کنند و از هیچ شرارت و جنایتی نسبت به آنها ابا ندارند و از هیچ گونه تجاوز و تعدی دست‌بردار نیستند. از خداوند متعال مسئلت داریم که مسلمانان را پیروز گرداند و از جانب خود، آنها را یاری کند و این قوم که حقوق مسلمانان را رعایت نمی‌کنند، مخذول نماید و آن متعدیان را خوار و ذلیل گرداند و به صورت خوارترین ملت‌ها قرار دهد».4

در پایان بیانیه نیز آیت‌الله بروجردی از مردم مسلمان خواستند که برای مردم فلسطین دعا کنند و توجه خود

آیت‌الله بروجردی به این نتیجه رسیدند که آگاه کردن مسلمانان نسبت به مسائل سیاسی و حوادثی که به مسلمانان نزدیک است، اکنون مهم‌ترین اقدام است. ایشان می‌دانستند که زمانه، زمانه جنگ نیست؛ چرا که مسلمانان امکانات و شرایط فکری و وحدت لازم را ندارند؛ از همین رو شاهدیم که ایشان با حمایت از راهکارهایی که بر نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر و ایجاد وحدت میان آنان قرار داشت، اولویت خود را بر مسائل فکری قرار داد

را به مردم فلسطین مبذول دارند: از برادران باایمان خود در ایران و سایر نقاط می‌خواهیم که دست‌جمعی به نیایش پردازند و خواری و ذلت یهود را از خداوند بخواهند و برای برادران مسلمان خود یاری و پیروزی مسئلت دارند. خداوندا! سربازان و رزمندگان و مرزداران مسلمین را در شرق و غرب کره زمین یاری کن و دشمنان آنها را خوار و پراکنده و پریشان نما و دل‌های آنها را پر از رعب کن و ضربت کوبنده خود را که بر قوم مجرمین وارد می‌سازی، بر آنها نازل کن و بر شرف پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله و دودمان برگزیده‌اش درود بفرست.5

البته شاید برخی انتقاد کنند که چرا آیت‌الله بروجردی مسلمانان را به قیام علیه اسرائیل دعوت نکردند. در پاسخ به این سؤال باید گفت: وقتی که اسرائیل اعلام موجودیت کرد، مسلمانان در شرایطی نبودند که بتوانند در مقابل اسرائیل بایستند؛ چرا که بسیاری از کشورهای مسلمان ناخواسته درگیر جنگ جهانی دوم شده و بسیاری از آنان نیز بعد از جنگ گرفتار استعمار بودند. از طرفی توان نظامی مسلمانان به‌اندازه‌ای نبود که قدرت مقابله با اسرائیل را داشته باشند. آیت‌الله بروجردی از این

موضوع به‌خوبی آگاه بود و می‌دانست برای رویارویی واقعی با اسرائیل به گذشت زمان نیاز است.

بااین‌حال ایشان با روش تقریب ‌مذاهب یا نزدیک کردن مذاهب به یکدیگر تلاش کرد مسلمانان را نسبت به موضوع فلسطین آگاه کند.

روش تقریب مذاهب اسلامی

موضوع تقریب مذاهب اسلامی را در عصر معاصر اولین بار عالمان اهل سنت مصر مطرح کردند. جالب آن است که اولین نهاد رسمی این جمعیت را نیز یک عالم ایرانی به نام آیت‌ا‌ قمی و البته حمایت مستقیم آیت‌ا‌ بروجردی تأسیس کرد. بر این اساس آیت‌ا‌ قمی با سفر به مصر، دارالتقریب مذاهب اسلامی را در این کشور تشکیل داد و آیت‌ا‌ بروجردی نیز از این اقدام حمایت مالی و معنوی کردند.

موضوع تقریب مذاهب جایگاه خاصی در مشی سیاسی آیت‌ا‌ بروجردی داشت. در واقع «شیوه اصلی آیت‌ا‌ بروجردی در بحث تقریب بین مذاهب اسلامی پرداختن به مسائل اصلی مورد اختلاف و حذف فروعات بود. ایشان معتقد بود در موضوع وحدت شیعه و سنی دو مسئله اساسی وجود دارد: اول جانشین پس از پیامبر(ص) و امامت و رهبری امت و دیگری اینکه مردم پس از رحلت پیامبر جهت تکلیف روزمره شرعی خود باید به چه کسی رجوع کنند».6

از نظر آیت‌ا‌ بروجردی مسائل فوق از عواملی بود که به اختلاف میان مسلمانان منجرشده بود. البته در معنای کلی و در دنیای معاصر، تقریب مذاهب در پی حل اختلافات مسلمانان اعم از شیعه و سنی و نزدیک کردن آنان به یکدیگر بود؛ اختلافاتی که باعث شده بود آنان نتوانند درباره بسیاری از مسائل مربوط به مسلمانان وحدت و انسجام لازم را داشته باشند؛ بنابراین آیت‌ا‌ بروجردی از طریق مذاهب جهت وحدت مسلمانان در مسئله فلسطین بهره‌برداری می‌کرد.

موضوع تقریب مذاهب اسلامی تأثیر مهمی بر حوادث فلسطین داشت؛ چنان‌که مناسبات دوستانه و مکاتبات ایشان با شیخ شلتوت، از رهبران مذهبی مصر، به صدور فتوای تاریخی معروف شلتوت مبنی بر به رسمیت شناختن مذهب شیعه انجامید؛7 زیرا باعث شد مسلمانان فارغ از شیعه یا سنی بودن خود یا مردم فلسطین به حمایت از آنان برخیزند. البته این موضوع فقط به فلسطین محدود نماند، بلکه بسیاری از مسائل مسلمانان در سطح جهان، فارغ از مرزها و رنگ‌ها، به موضوع مشترک تمام مسلمانان اعم از سنی و مذهبی تبدیل شد.

مسائلی مانند جنگ جهانی و تسخیر ایران و تجزیه عثمانی، جنگ ایتالیا علیه لیبی، تأسیس کشور اسرائیل، جنگ هند و پاکستان و دیگر مشکلات مسلمین و درگیری‌های دیگر باعث احساس لزوم تقریب مذاهب بیش از هر زمانی شد. آیت‌ا‌ بروجردی در حین جنگ مصر و اسرائیل به یکی از علمای اصفهان، که نسبت به خلفا توهین کرده بود، گفت: «در این وقت که اسرائیل به مسلمانان حمله کرده است و آنان را قتل عام می‌کند، راه‌انداختن جنگ بین شیعه و سنی چه معنی دارد؟!».8

بر این اساس می‌توان گفت که آیت‌ا‌ بروجردی درصدد بود از این طریق مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند تا با کنار گذاشتن مسائل فرقه‌ای، توجه خود را به مسائل مهم‌تر مسلمانان سوق دهند؛ هدفی که تقریبا محقق شد و نقش مهمی در تقریب مذاهب و قلوب مسلمانان به یکدیگر داشت.

سخن نهایی

آیت‌ا‌ بروجردی، در برابر بسیاری از مسائل داخلی و خارجی مسلمانان بر اساس شرایط زمان عمل کردند. ایشان بسیار عالمانه شرایط مسلمانان را درک کردند و به این نتیجه رسیدند که آگاه کردن مسلمانان نسبت به مسائل سیاسی و حوادثی که به مسلمانان نزدیک است، اکنون مهم‌ترین اقدام است. ایشان می‌دانستند که زمانه، زمانه جنگ نیست؛ چرا که مسلمانان امکانات و شرایط فکری و وحدت لازم را ندارند؛ ازهمین‌رو شاهدیم که ایشان با حمایت از راهکارهایی که بر نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر و ایجاد وحدت میان آنان قرار داشت، اولویت خود را بر مسائل فکری قرار دادند. بنابراین می‌توان رویکرد کسانی که ایشان را فردی منفعل نسبت به مسائل سیاسی می‌دانستند، کاملا اشتباه دانست.

پی نوشت:

1. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۲، تهران، مرکز اسناد، ۱۳۷۹، ص 291.
2. منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، 1379، صص ۴۵۸-۴۵۷ و رک: پایگاه الکترونیکی ویکی شیعه.
3. مجتبی احمدی، چشم و چراغ مرجعیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1379، ص 250.
4. همان‌جا.
5. همان‌جا.
6. حسین علوی طباطبائی، خاطرات زندگی آیت‌ا‌ بروجردی، تهران، اطلاعات، 1341، صص 140- 147.

7. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ج 1، ص 3745.

8. سیدحسن قریشی کرین و احمد حسین فلاحی و یداله خرم‌آبادی، «تطبیق اندیشه تقریب از منظر امام خمینی و آیت‌ا‌ بروجردی»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، ش 5 (زمستان 1391)، ص ۱۰۴.

منبع خبر:

https://iichs.ir/vdcexf8w.jh8zwi9bbj.html